نگاه

عبای وحدت پیامبر

مسعود ادیب

برای فهم بهتر شأن و منزلت پیامبر باید مروری بر دوران بعثت و رحلت ایشان داشته باشیم. پیش از پیامبر اکرم(ص) در عربستان شمالی هیچ دولتی مستقر نبود و گروه‌های سیاسی قبایل بیابانگرد و شهرنشینی بودند که در مناطق کوچک شهری یا در بیابان‌ها به صورت پراکنده زندگی می‌کردند. حتی ساکنین شهرهایی مثل مکه، یثرب و طائف- که جزو شهرهای مهم آن زمان شبه جزیره به حساب می‌آمدند- چند قبیله در کنار یکدیگر بودند و زندگی شهرنشینی در معنای متداولی که فهم می‌شود وجود نداشت. به بیانی دیگر تنها شکل ظاهری این مراکز همانند شهر بود اما روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای بر شهر حاکم بود و سلسله مراتب و نظام اداری مشخصی برای اداره سیاسی وجود نداشت. به همین خاطر نبود یک نظام اداری کارآمد و مشخص در جامعه آن زمان عربستان باعث شد در شهر به جای روابط سیاسی، نظام‌های مشورتی وجود داشته باشد. روحیه قومیت گرا و عشیره محور مردم مکه تا زمانی که حضرت در آنجا حضور داشتند ادامه یافت و باید یادآور شد پیامبر اسلام در چنین فضایی پیام‌آور توحید، انصاف، عدالت، محبت و احترام به انسان‌ها و رفتار مسالمت‌آمیز بودند. در حقیقت دعوت رسول‌الله پاسخ و واکنشی به خشونت جامعه عربستان بود.

آوازه منش والای پیامبر به گوش مردم یثرب رسید و آنها امیدوار شدند با حضور ایشان تضادهای اجتماعی پایان یابد و فضای پرتنش داخلی این شهر سامان پیدا کند و رسول خدا منادی وحدت میان نیروهای متضاد اجتماعی شود. این امید به رحمانیت پیامبر اسلام سبب شد از ایشان برای حضور در یثرب دعوت به عمل آید.

عزیمت پیامبر از مکه به یثرب سرآغاز عقد نخستین پیمان مدنی بود. بر اساس این پیمان توافق شد تا از پیامبر(ص) همانند خانواده خودشان حفاظت کنند و روابط قبیله‌ای و طایفه‌ای کنار گذاشته شود. از این قرارداد می‌شود به عنوان نخستین پیمان مدنی و به تعبیری دولتی یاد کرد. حضور پیامبر در یثرب (مدینه) باعث ایجاد پیوند دوستی میان مجموعه اعراب مسلمان و یهودی شد که با این کار حضرت زمینه‌های نوعی نظام و قرارداد اجتماعی را ایجاد کردند تا ذیل آن همه بتوانند در کنار یکدیگر در شهر مدینه زندگی کنند. البته باید در نظر داشته باشیم، دولت در معنایی که امروز تصور می‌شود یا شکلی از حکومت‌داری که در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس وجود داشت، تجربه نشد. بلکه پیامبر(ص) به دلیل محبوبیت و اقبالی که در میان مردم داشتند به عنوان داوری امین و صالح مورد قبول همگان بودند. به بیانی دیگر، حضرت رسول، رهبری نیروهای اجتماعی را عهده‌دار می‌شوند و پیامبر اسلام نیز از این فرصت برای ابلاغ شرایط و تبلیغ دین خود استفاده کردند.

پیامبر در ابلاغ وحی، باورهای قبیله‌گرایی را رد کردند و در عوض آن جامعه را با ارزش‌های برابری انس دادند و کم‌کم اهمیت تعلقات عشیره‌ای رنگ باخت و اخلاق به عنوان بنای فضیلت انسان‌ها دانسته شد. به بیانی دیگر به جای توجه به قبیله فرد به فردیت و انسانیت او ارج نهاده شد. پیامبر(ص) در زمان حیات‌شان به دنبال نفی نگاه طبقاتی بودند اما این ارزش در مردم آن زمان درونی نشد و با رحلت ایشان نگرش طبقاتی مجددا احیا شد تا حدی که شورشی عمومی در پی عمیق شدن شکاف‌های طبقاتی در جهان اسلام به وجود آمد تا جایی که خلیفه‌سوم در جریان شورش عمومی کشته شد و تلاش‌های امیرالمومنین هم نتوانست فضا را آرام کند.

بنابر شواهد تاریخی و اعتقادی شیعیان، رسول خدا(ص) تمهیداتی را اندیشیده بودند تا پس از رحلت‌شان، زعامت جامعه اسلامی در اختیار کسی که بالاترین صلاحیت را داشته باشد، قرار بگیرد و از نظر شیعیان عدم تحقق این پیش‌بینی بر آینده جهان اسلام تاثیر گذاشت و همین امر موجب شد پس از رحلت پیامبر(ص) سمت و سوی مسیر جامعه عوض شود، زیرا هنوز ارزش‌های پیامبر در جامعه نهادینه نشده بود و خرافه و باورهای سنتی و عادات غلط عرب همچون آتشی زیر خاکستر، با رحلت پیامبر اسلام و کنار گذاشته شدن حضرت علی(ع) شعله‌ور شد و با رحلت پیامبر روحیه قبیله‌گرایی مجددا ظهور پیدا کرد و نگرش بزرگان عرب به زمامداری عقبگردی جدی دارد چرا که برخلاف آنکه مبنا در نظام اسلامی صلاحیت و شایستگی است و شرط سنی مدخلیتی ندارد، اما با رحلت پیامبر دوباره ارزش‌های پیشین به عنوان مبنا و معیار می‌شود و این تغییر رویکرد جدل‌های پیشین قبیله‌ای برای کسب قدرت را زنده کرد. همچنین بعد از رحلت پیامبر شوق فرماندهان به گسترش فتوحات دوباره زنده شد و با رحلت ایشان، خلفا جز امیرالمومنین(ع) به دنبال گسترش مرزهای اسلام رفتند، این تصمیم سیاسی و استراتژیک، سرنوشت جغرافیا و تاریخ و آینده اسلام را عوض کرد.

تا زمان حیات پیامبر، باب نزول قرآن گشوده و هنوز فرآیند وحی به اتمام نرسیده بود و جامعه سوالات و ابهامات خود را از شخص پیامبر می‌پرسید و قرآن نیز یکی از ماموریت‌های پیامبر را تبیین وحی معرفی می‌کند، اما بعد از رحلت پیامبر، آن‌طور که حضرت رسول معین کرده بود بنا بود تفسیر و توضیح اسلام توسط امیرالمومنین(ع) انجام شود، اما این موضوع به دلیل مسائل سیاسی محقق نشد. حضرت علی(ع) در آن زمان مرجع تفسیری بزرگان سیاسی بودند هرچند به دلیل خصومت و اغراض سیاسی مانع از تبدیل شدن حضرت به چهره‌ای سیاسی می‌شدند. کنار گذاشتن حضرت علی در شرایطی است که هرچه از وفات پیامبر دور می‌شویم احتیاج‌مان به تفسیر قرآن بیشتر افزایش پیدا می‌کند چرا که با گسترش مرزهای جغرافیایی جامعه اسلامی مسائل جدیدی مطرح می‌شود که نیاز به تفسیر قرآن را دوچندان می‌کند و اما این در شرایطی است که خلیفه دوم به بهانه منع نگارش هرآنچه غیر از قرآن، از تدوین احادیث پیامبر هم جلوگیری کردند. این تصمیم خلیفه‌دوم باعث می‌شد دسترسی مردم به سنت پیامبر محدود شود و سیره پیامبر در اختیار نسل‌های بعدی جامعه اسلامی قرار نگرفت.

گفت‌وگو

دانیال شایگان /اعتماد

امت اسلام و پیامبر(ص) در گفت‌وگو با عبدالله ناصری

پیام‌آور اخلاق

بامداد لاجوردی

درباره جایگاه و منش پیامبر در تاریخ اسلام سخن‌های بسیار رفته است. بدون تردید امروز همه مسلمانان خود را متعهد و مومن به تداوم میراث و سنت و کتاب پیامبر می‌دانند با این وجود نباید از اهمیت شخصیت پیامبر به عنوان یک منادی رحمت و اخلاق در جامعه عربستان غافل شد. فیض حضوری که با میلاد ایشان آغاز شد. عبدالله ناصری، پژوهشگر تاریخ اسلام در این گفت‌وگو به تحلیل جغرافیایی سیاسی سرزمین‌های اسلامی و اسلام سیاسی در پیش و پس از حیات پیامبر (ص) می‌پردازد که در ادامه می‌آید.

از نظر شما مهم‌ترین ماموریت پیامبر(ص) در زمان حیات‌شان چه بود؟

وجه شاخص مانیفستی که پیامبر (ص) از جانب خدا برای ابلاغ آن مامور شده بود، گفتمان انسان‌سازی و رشد اخلاق انسانی و هدایت انسان‌ها به سمت و سوی اخلاق بود؛ پیامبر (ص) مبعوث گردید تا اخلاق انسان را کامل کند. هرچند در این باره بسیاری از سنتگرایان این پرسش را به میان می‌کشند که اساسا اخلاق ذیل دین قابل طرح است یا نه؟ و همین اشکال را نواندیشان دینی از زاویه دیگر و به زبان دیگری مطرح می‌کنند.

اخلاق امری فرادینی است، اما آموزه‌های دینی می‌گوید که نه تنها اخلاق بلکه اصولی مانند عدالت که عمدتا پیشادینی هستند در گفتمان قرآن قرار دارند. به همین جهت پیامبر(ص) می‌گوید من برای اتمام مکارم اخلاقی آمده‌ام. البته قرآن نیز در آیات متعددی این راهبرد را به پیامبر(ص) ابلاغ می‌کند و خطاب به ایشان می‌فرماید، تو پیامبر اخلاق هستی. این بر همه روشن است، اگر خدا اراده می‌کرد می‌توانست همه را مسلمان و امت واحدی را ایجاد کند و همه را به ایمان وا می‌داشت. تعبیری که از این مهم می‌توان داشت این است که برخلاف نظر کسانی که مبتنی بر فهم سنتی خودشان، کثرت‌گرایی را در گفتمان دینی نفی می‌کنند، نص صریح آیات قرآن و سیره پیامبر(ص) نشان می‌دهد تکثر به اشکال مختلفی پذیرفته شده است. به همین ترتیب در سیره پیامبر(ص) نیز دیده می‌شود، وقتی پیامبر(ص) از مکه به مدینه هجرت کردند، ایشان عملا ساختار قبیلگی را به امت واحد تبدیل کردند و در پی آن مروج ارزش‌های اخلاقی و انسانی مانند برابری بودند و مردم را به وانهادن ارزش‌های قبیله‌ای در جامعه عرب تشویق می‌کردند.

آیا پیامبر(ص) برای نیل به این هدفش نیاز به ابزار سیاسی داشت؟

در این مورد هم برخلاف تعابیر برخی سنت‌گرایان دینی یا متن‌گرایان دینی که اصرار دارند در مدینه پیامبر(ص) تشکیل حکومت داده است باید گفت پیامبر در مدینه به هیچ‌وجه ملزم به تشکیل حکومت دینی نبود، بلکه زمانی که ادامه حضور پیامبر در مکه به دلایل سیاسی اجتماعی ممکن نبود ایشان تصمیم گرفتند به مدینه بروند. وقتی پیامبر اسلام (ص) وارد مدینه شدند، با یهودیان و بت‌پرستان شهر به عنوان دو گروه بزرگ این شهر روبرو شدند. واکنش پیامبر (ص) به جامعه آن زمان مدینه حائز اهمیت است. حضرت محمد(ص) با یهودیان و بت‌پرستان پیمان‌نامه شهروندی می‌بندد و نکته قابل توجه آن است که ایشان در هیچ کدام از بندهای این پیمان‌نامه آنان را ملزم به پذیرش اسلام نمی‌کنند. در عوض تاکید پیامبر (ص) بر این بود که آنها در آیین خود آزادند و تنها باید بابت خدمات و ایمنی‌ای که استفاده می‌کنند، مالیاتی بپردازند. لذا مادامی که آنها این پیمان را زیر پا نگذاشتند، پیامبر چیزی را بر آنها تحمیل نکرد.

هرچند قریش از همان سال دوم حملاتی را انجام داد و یهود نیز در جنگ‌های خیبر و احزاب پیمان را شکست و پیامبر(ص) ناچار شد با آنها برخورد کند. حتی پیامبر در این جنگ‌ها هم اصرار داشتند به خارج از مدینه بروند تا کمتر کشته شوند، لذا آن آماری که در متون مستشرقین آمده، نسبت به واقعیتی که در مدینه رخ داده مبالغه‌آمیز است.

بنابراین پارادایمی که پیامبر(ص) به عنوان اسلام معیار تکلیف کرد این بود که خداوند هیچ‌گونه تکلیفی برای اسلام و ایمان آوردن معین نکرده است، بلکه پیامبر(ص) فقط مامور ابلاغ بوده‌اند. پیامبر اسلام (ص) به دنبال آن بودند مسیری را برای مردم مشخص کند و نشان دهد صلاح و رستگاری تنها در پذیرفتن راه اسلام است. به همین دلیل ماهیت جنگ‌های پیامبر دفاعی بود -البته جنگ بدر تحلیل دیگری دارد که باید در فرصتی جداگانه به آن پرداخته شود- بنابراین پیامبر(ص) فقط به دنبال ساخت، رشد و بلوغ انسان بودند.

بعد از رحلت پیامبر چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

در تاریخ اسلام با رحلت پیامبر (ص) وارد گفتمان دیگری می‌شویم اگرچه این چرخش گفتمانی در دوره خلیفه اول کامل تجلی پیدا نمی‌کند ولی در دوره خلیفه دوم این ساختارهای چرخش گفتمانی شکل می‌گیرد. در این دوره برای آنکه بتوانند بر امر سیاست مستولی شوند و آن مسیری که در سقیفه شکل گرفته بود با استحکام بیشتر ادامه پیدا کند ساختارهای اداری جدیدی را بنیان‌گذاری کردند یا به تعبیر برخی نواندیشان دینی نهاد دینی، اسلام سیاسی را شکل دادند. در این دوره بر اساس برداشت‌هایی که از رفتار و سنت پیامبر (ص) ساخته شده بود، به تدریج منش و روش واحدی برای اداره جامعه تجویز شد و از اینجاست اسلام تاریخی ظهور و بروز پیدا می‌کند- جز دوره حضرت امیر (ع) که مستثنی است- حتی در دوره حضرت امیر(ع) باید توجه داشت در جامعه‌ای که امیر المومنین(ع) بر آن حکم می‌کند جز اقلیت محدودی که با گفتمان نبوی آشنایی دارند اکثریت جامعه به دنبال بازگشت به عقب- یعنی دوران جاهلی- هستند و هرچند گفتمان امام علی (ع) در تداوم پیامبر (ص) قرار دارد اما اکثریت تحت تاثیر بازگشت به دوران پیش از پیامبر (ص) قرار گرفته بودند به همین خاطر امام (ع) تمام دغدغه ۵ ساله‌اش به درون جامعه مسلمان شده فکر می‌کند و هیچ نوع عملیات برون مرزی از سوی ایشان نمی‌بینیم بلکه تمام جنگ‌های حضرت، با مخالفین و معارضین داخلی است. هرچند تمام تلاش امام بر این است که جنگی اتفاق نیفتد اما در نهایت جنگ‌هایی رخ می‌دهد و غاصبان روند خلافت چهره جدیدی از سلطنت اسلامی یا حکومت موروثی را بنیان گذاشتند و با امام درگیر شدند و امام علی (ع) نیز حملات آنها را پاسخ می‌داد. جنگ، غارت و شبیخون‌ها و نبردهای نامنظمی که از جانب دشمنان امام صورت می‌گرفت از جمله این اقدامات است که در آنها هجمه و حمله از جانب دشمنان امام علی (ع) صورت می‌گرفت و ایشان در موضع دفاع قرار داشت.

اما بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) شاهد گسترش جغرافیایی اسلام و تعدد فتوحات هستیم. به نظر می‌رسد عامل بازدارنده اعراب برای این فتوحات پیامبر اسلام (ص) بوده است.

جز در دوره ۵ ساله پایانی عصر خلفای راشدین که هیچ میلی به فتح سرزمین‌های جدیدی وجود نداشت در دوره‌های پیش و پس از آن فتح سرزمین ابزاری برای تامین معیشت و غنایم می‌شود و فتوحات جنبه اقتصادی پیدا می‌کند. مخصوصا برای اعراب از نظر اقتصادی کم‌توان، سرزمین‌های جدیدی همگی از نظر کشاورزی حاصلخیز بودند و این فرصت‌ها در آن نظر آنها جذاب بود. فتوحات تا اوایل عصر عباسی ادامه پیدا می‌کند و رسیدن به سرزمین‌های پرمحصول مانند ایران برای اعراب اهمیت پیدا می‌کند.

از سویی دیگر اصرار حکومت بر انجام فتوحات به این دلیل بود که جامعه دچار پرسشگری نشود و به ابهام ذهنی مبتلا نگردد و تنها درگیر مشغله‌ای جدی به نام فتوحات باشد. این روند ادامه پیدا می‌کند منتها تمام دوره تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد و ادبیات نظری کشورگشایی در اسلام تاریخی و سنت تاریخی مبنای آموزه‌های دینی وارد و سپس در متون تاریخی، تفسیری، حدیثی و قانونمند و قاعده‌مند می‌شود، و عموما اهل تسننی که طی چهارده قرن قدرت را در اختیار داشتند، مانیفست جدیدی از اسلام تاریخی را تولید و منتشر می‌کنند که حاوی مضامینی مبتنی بر کشور گشایی است.

چه عاملی باعث شد اعراب فتوحات خودشان را تا این حد گسترش دهند؟

وعده ورود به سرزمین‌های حاصلخیز، انگیزه قبایل عرب برای مشارکت در جنگ را دو چندان می‌کرد. لذا وقتی جنگ اعلام می‌شد قبایل به راحتی تمکین می‌کردند و وارد سرزمین‌های جدید می‌شدند و به دلیل حاصلخیزی منطقه جدید بازنمی‌گشتند چون مایل نبودند به سرزمین‌های خشک سابق‌شان بازگردند. روشن است فتح سرزمینی به قصد منابع اقتصادی دور از گفتمان نبوی بود؛ مردم جزیرةالعرب وارد تجارت و دامداری می‌شدند و با فتح سرزمین‌های جدید منابع اقتصادی جدید برای آنها فراهم می‌شد.

بنابراین بعدها در متون تاریخی ادعاهایی شکل گرفت تا رفتارهای خلفای سه‌گانه اول و خلفای اموی و عباسی را به رفتارهای پیامبر (ص) شبیه‌سازی کنند و لذا تفسیر قالبی از آیه جهاد صورت گرفت و ادعا شد همه جهادهای پیامبر (ص) ابتدایی بود در صورتی که حقیقت این است جهادهای پیامبر (ص) هیچ کدام ماهیت ابتدایی نداشت. اما این تفسیر تا عصر عباسیان قوت داشت و در نتیجه سرزمین اسلام از چین تا اقیانوس اطلس رسید و اعراب وقتی وارد این سرزمین‌ها می‌شدند آنجا را موطن خودشان انتخاب می‌کردند و در آنجا مستقر می‌شدند.

به همین ترتیب به نظر می‌رسد تعدد تفاسیر هم بعد از رحلت حضرت محمد(ص) رشد چشمگیری پیدا می‌کند.

تفسیر خیلی سریع اتفاق نمی‌افتد. هرچند از تعبیر تفسیر برداشت‌های مختلفی قابل طرح است؛ مثلا در دوره خلفای راشدین بخشی از غنایم جنگی طبق دستور خلیفه دوم به فاتحین داده می‌شد در حالی که پیش از آن سنت بود که غنایم جنگی به دیوان بازگردد. یا بر اساس قاعده ائتلاف قلوب بخشی از هزینه مسلمانان برای جذب غیرمسلمین به این آیین ادامه پیدا می‌کرد اما در این دوران این روند کند و متوقف می‌شود.

به همین ترتیب در جنگ صفین، شاهد شکل‌گیری نحله جدید کلامی خوارج ناشی از برداشت‌ها و تفسیری غلط از قرآن هستیم. باورمندان به این نحله ادعا می‌کردند حکم فقط حکم خداست و بحث برداشت از آیات قرآن درباره عاقبت مرتکب گناهان کبیره و تعریف مسلمان و کافر و فاسق رشد کرد. اما از قرن دوم به بعد دایره تفسیری گسترده شکل می‌گیرد و در این زمان از تفاسیر قابل اطمینانی که به ائمه(ع) نسبت داده می‌شود می‌توان صحیفه سجادیه یا برخی ادعیه مانند دعای کمیل، نیایش عرفه یا ابوحمزه ثمالی را نام برد و ما جز اینها منابع زیادی در اختیار نداریم و مابقی چیزهایی است که از قرن دوم به بعد وجود دارد.

علت محدودیت منابع معتبر از ائمه(ع) چیست؟

خلیفه دوم به منع کتابت دستور داده بود و این دستور یک قرن تا آغاز عمر بن عبدالعزیز ادامه پیدا کرد تا زمانی که او دستور داد کتابت آزاد شود. به همین خاطر در قرن اول عملا به دلیل منع قانونی خلیفه دوم از کتاب و شعار «کتاب قرآن ما را بس است» هیچ نوع نوشته‌ای وجود ندارد و هرچه هست شفاهیات است. بعد از صدور مجوز کتابت، جعل حدیث اتفاق می‌افتد و بسیاری از این جعلیات به عنوان اسرائیلیات یاد می‌کنند. این جعلیات هم در متون تفسیری و هم در متون حدیثی وارد شد. ریشه جعل احادیث در تاریخ اسلام ریشه در اسفار پنجگانه تورات دارد که از طریق ترجمه عهد عتیق در قرن دوم وارد شد یا از طریق یهودیان کعب الاحبار و عبدالله بن سلام این متون را وارد منابع کردند. بعد از پیامبر (ص) بلافاصله آنچه در فرهنگ مکتوب می‌بینیم آن چیزی نیست که مطمئنا رخ داده باشد و برخی قصه و مجعول هستند.

یک نکته دیگر باید توجه کرد که هنوز رگه‌های آن در تاریخ فرهنگ اسلام وجود دارد. ما از حیات تاریخی پیامبر (ص) اطلاعات زیادی در قرآن نداریم و بسیاری از روایات مجعول هم با پارادایم اخلاق‌محور قرآن فاصله دارد.

خوارج خیلی زود بعد از رحلت پیامبر(ص) دست به تفسیر زدند.

نگاه خوارج متاثر از برداشت‌های نادری بود که روی برخی آیات قرآن تمرکز داشت. بعدها خوارج در تداوم حیات تاریخی خودشان در دوره امویان و عباسیان، استناداتی به آیات قرآن داشتند. تنها فرقه‌ای که از آنها ماندگار شد خوارج اباضیه هستند که تا امروز ماندگارند و فرهنگ مکتوب خوارج از قرن چهارم به بعد است که تدوین شده و گفتمان دینی آنها از قرن چهارم به بعد و مشخصا در فاصله قرن ۴ تا ۷ هجری رواج پیدا کرد. باید درباره خوارج بازنگری کنیم. خود خوارج اباضیه که مانیفست خوارج را تدوین کردند بحث‌هایی دارند و ادعا می‌کنند که مثلا در قالب گفتمان انتقادی کارهایی را کرده‌اند و معتقدند این تصویری که در منابع از خوارج وجود دارد توسط فرهنگ‌نویسان وارد منابع تاریخی شده است.

از نظر اجتماعی هم بعد از رحلت پیامبر(ص) نوعی آشفتگی دیده می‌شود.

مهم‌ترین حرکتی که بعد از وفات پیامبر (ص) با آن روبه‌رو هستیم جنگ با مرتدین است. این یک واقعیت تاریخی است که برخی از آنها ادعای نبوت و پیامبری داشتند. برخی به دلایل کاملا عقیدتی جمع‌بندی سقیفه را قبول نداشتند و خراج نمی‌دادند مثلا ماجرای مالک بن نویره، معتقد بود امر رهبری بعد از وفات پیامبر(ص) غصب شده و لذا مالیات قبیله خودش را پرداخت نمی‌کرد. به همین جهت اتهام ارتداد دینی به آنها زده شد.

از همین‌جا اختلاف در جزیرةالعرب آغاز شد؛ بعد از رحلت پیامبر (ص) دیگر کاریزما و شخصیت محبوب ایشان وجود نداشت؛ لذا هرکسی برداشت خودش را از تقریرات، رفتارها و آیات قرآنی بیان می‌کرد. از نظر جامعه‌شناسی جزیرةالعرب جامعه‌ای متکثرالقول و متکثرالفهم از پیام اسلام نبوی می‌شود.

بعد از وفات پیامبر (ص) که جامعه دچار تردید می‌شود؛ بخشی طرفدار امام علی (ع) و بخشی از انصار مخالف به قدرت رسیدن مهاجرین می‌شوند و در نهایت به سرزمین شام مهاجرت می‌کنند. اما بهترین ابزار برای دستگاه خلافت مرکزی در مدینه این بود که زمینه‌ای را فراهم کند تا مردم به صورت جبری مهاجرت کنند.

بعد از رحلت پیامبر (ص) به نوعی اسلام سیاسی مسیر جدیدی را پیش گرفت.

برای اسلام سیاسی که دوران متاخر تر شکل گرفت یعنی از زمانی که نحله‌های دینی و کلامی شکل گرفتند که نخستین آن مرجئه در عصر امویان است که در آن تفکیک ایمان و عمل صالح مطرح و ادعا شد هر کسی ایمان آورد مسلمان است و عمل صالحش با خداست و همین طور فرقه‌هایی که یکی پس از دیگری شکل می‌گرفتند اما فرقه مرجئه بر بی‌اراده بودن انسان تاکید داشتند، نتیجه این برداشت این بود که انسان مسلمان در برابر هر شکلی از حکومت، الزاما باید تبعیت کند و لذا از همانجا خروج علیه خلیفه حاکم باطل اعلام می‌شود که بعدا البته در قرون چهارم و پنجم با تجربه‌ای تاریخی در گذشته در قالب احکام‌السلطانیه مانیفست سیاستمداری و سیاست‌ورزی پایه‌گذاری می‌شود و پس از آن ادامه پیدا می‌کند.

بهترین شاهد مثال جنگ‌های برون مرزی و فتوحات است؛ در این موضوع بحث بر سر این است که آیا این روش مدنظر پیامبر (ص) بوده یا نه؟ که به نظر می‌رسد بر اساس متن قرآن و مشی حضرت علی (ع) چنین مشی مورد قبول ایشان نبوده است حتی در مشی ائمه (ع) هیچ چیزی جز جامعه‌ای اخلاق محور وجود ندارد بطوری که حتی صلح‌نامه‌هایی را به برخی از ائمه (ع) تحمیل می‌کنند و حتی مضامین صحیفه سجادیه کاملا در قالب یک اسلام فرهنگی و اخلاقی است. پیام قرآن و اسلام بر محوریت اخلاق است اگرچه تئوری‌های مختلفی در میان شیعیان و اهل تسنن شکل می‌گیرد و همگی اینها برمبنای تجربه اسلام تاریخی است.

این روند ادامه پیدا می‌کند و امروز در دنیای مدرن در جهان اسلام، جلوه اسلام سیاسی را بسیار پررنگ می‌بینیم. با استناد به اندیشه‌های جدیدی که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم در میان متفکرین اهل سنت مانند مودودی و حسن البناء مطرح کردند و بنیان اسلام انقلابی و سیاسی را در دنیای معاصر بنا نهادند؛ برداشت آنها این بود که جهان کفرآلود است و با تشبیه کردن دوران معاصر به دوران جاهلیت، نتیجه می‌گرفتند باید برای زدودن عنصر جاهلیت اقدام عملی کنند. از همین ایده در دوره معاصر، اسلام سیاسی شکل گرفت البته اتفاقات دیگری که در مقابل جهان اسلام مانند اشغال سرزمین‌های فلسطین، جنگ اعراب، اسراییل و پدیده انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. این ایده امروز هم در اوج خودش است و البته به شکلی که بخش اعظمی از اهل تسنن و جمهوری اسلامی ایران به آن باور ندارد و در قالب داعش و نوسلفی‌گری ظهور کرده است. این جریان مدعی اسلام سیاسی است به طوری که این ماموریت را برای خودش در نظر دارد تا با کفر جهانی مبارزه کند.

اسلام، وحدت مبانی، کثرت ظهور

کتاب «اسلام؛ وحدت مبانی، کثرت ظهور: فصل‌هایی از جامعه‌شناسی تاریخی و فرهنگی اسلام» برگردان فارسی شش مجلد از مجموعه بیست جلدی پژوهشی بزرگ است که با عنوان «الاسلام واحداً و متعدداً» در انجمن عقل‌گرایان عرب (رابطه العقلانیین العرب) زیر نظر نواندیش و نومعتزلی مسلمان تونسی، دکتر «عبدالمجید شرفی» شکل گرفته است. این برگردان، شش تصویر یا قاب از اسلام ارایه می‌کند. اسلام عربی، اسلام خوارج، اسلام بادیه، اسلام قاره سیاه، اسلام انقلابی و اسلام نوگرایان که بیشتر به حوزه جغرافیایی مغرب اسلامی یا شمال آفریقا اختصاص داشته است. ویژگی دیگر این چند قاب یا این کتاب، رویکرد جامعه‌شناختی و نگاهی از منظر جغرافیای تاریخی به مظاهر اسلام است که توسط یک جریان جدید فکری مسلمان در شمال آفریقا، ارایه می‌شود؛ پژوهشی بدیع با نگاهی نو به پلورالیسم دینی و اسلامی.

کتاب

چهار ترجمه از قرآن در یک مجلد

«قرآن کریم با چهار ترجمه کهن» برای مخاطبان فارسی زبان این کتاب مقدس، اثری فاخر و منحصر به‌فرد محسوب می‌شود.

محمد شریفی با کنار هم قرار دادن چهار ترجمه فارسی از قرآن کریم علاوه بر اینکه نشان داده مترجمان شیعه و سنی هر کدام چه برداشتی از آیات مبارک این کتاب مقدس داشته‌اند سیر تحول زبان فارسی را نیز به خوبی نشان داده است.

شریفی در سال ۱۳۸۶ به اقتضای نیاز خود در تحقیقاتش برای ارایه ترجمه ای با زبان کهن از برخی آیات به این فکر می‌افتد که ترجمه سورآبادی را از تفسیر جدا کرده و به صورت مستقل منتشر کند. این پیشنهاد را با دوست خود محمدرضا جعفری، مدیر نشر نو در میان می‌گذارد و او نیز از این ایده استقبال و به شریفی پیشنهاد می‌دهد همین کار با چند ترجمه کهن انجام شود و همگی در یک مجلد منتشر شوند. شریفی در نهایت بعد از یک دهه تحقیق و پژوهش روی ترجمه‌های فارسی کهن از قرآن توانست سال گذشته کار نهایی را تحویل دهد و «نشر نو» با حسن سلیقه آن را به زیور طبع آراسته و منتشر کند.

بدیهی است که ترجمه هایی که در هر دوره صورت گرفته است هریک به نوعی واجد ویژگی‌های ادبی نثر آن دوره بوده است و این مهم‌ترین دلیل برای تدوین قرآن حاضر و کنار هم قرار دادن چهار ترجمه متفاوت از چهار دوره است. همنشینی این ترجمه‌ها تا حدی این امکان را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد تا بتواند ویژگی‌های زبانی و ادبی هر ترجمه را با دیگری بسنجد و همچنین تاثیر تفاوت مشرب مترجمان را در ترجمه متنی واحد ببینند.

از اینها گذشته اقدام به تدوین قرآنی با ترجمه‌های چندگانه، فراهم آوردن امکان استفاده از ترجمه‌های کهن قرآن در متون ادبی است. چنانکه اهل ادب می‌توانند هنگام نقل آیات در متون قدیم ادبی، برای حفظ سیاق کلام از یکی از این ترجمه‌ها یا تلفیقی از آنها برای معنی کردن آیات به پارسی استفاده کنند.

ترجمه‌های کهن قرآن کم نیستند، هرچند که شمارِ ترجمه‌هایی که بطور کامل به دست ما رسیده استَ چندان هم زیاد نیست. با این وجود در «قرآن کریم با چهار ترجمه کهن» چهار ترجمه مهم انتخاب شده که باید از چهار تفسیر استخراج می‌شدند. این چهار ترجمه بر اساس چهار تفسیر مختلف از قرآن کریم است که به ترتیب عبارتند از؛

۱- طبری؛ برگرفته از ترجمه تفسیر طبری که احتمالا در اوایل نیمه دوم سده چهارم توسط گروهی از علمای ماوراءالنهر که بر ما شناخته نیستند صورت گرفته است. این ترجمه شاید به دلیل آنکه نخستین ترجمه کامل قرآن و لاجرم در دوره خود، امری بسیار خطیر بوده است تقریبا ترجمه‌ای لفظ به لفظ است و این شیوه به گونه‌ای رعایت شده که گاه حتی مخل دریافت معنی است اما فواید ارزنده‌ای از حیث قدمت واژه‌ها و معادل‌ها دارد.

۲- سورآبادی؛ برگرفته از تفسیر سورآبادی (حدود ۴۷۰ - ۴۸۰ قمری؛ چهار مجلد) از ابوبکر عتیق ابن محمد هروی سورآبادی. ترجمه سورآبادی از حیث دقت و فصاحت و زیبایی، در میان چهار ترجمه‌ای که در این قرآن آمده است رتبه نخست را دارد.

۳- میبدی؛ برگرفته از کشفُ الاسرار و عُدةُ الابرار (آغاز تالیف: ۵۲۰ قمری) از رشیدالدین ابوالفضل میبدی است. کشف الاسرار تفسیری مطابق با مشرب عارفان است و این گرایش در ترجمه آیات نیز به چشم می‌خورد و از این حیث متفاوت با سایر ترجمه‌هاست.

۴- ابوالفتوح رازی؛ برگرفته از روضُ الجِنان و روحُ الجنان فی تفسیرالقرآن مشهور به تفسیر ابوالفُتوح (رازی) (بین ۵۱۰ و ۵۵۶ قمری؛ پنج مجلد) از ابوالفتوح رازی است.

در تمامی ترجمه‌ها اولا همه واژه‌های دشوار یا کلماتی که ممکن است برای همگان شناخته نباشد داخل پرانتز معنی شده‌اند. ثانیا بخش هایی از ترجمه که جنبه توضیحی داشته و ترجمه نص قرآن نبوده است در میان تیره معترضه قرار گرفته است. ثالثا با این پیش‌فرض که مصححان این تفاسیر به رسم‌الخط نسخه‌های خود پایبند بوده‌اند رسم‌الخط اصلی تغییر نکرده است.

از دیگر بخش‌های مفید این قرآن، فهرست‌هایی است که در انتهای آن آمده است. فهرست نخستین، الفاظ یا به اصطلاح کشف الآیات است که پیشتر نیز با ترتیبی دیگر ضمیمه بعضی از مجلدات قرآن‌ها بوده است. اما فهرست دوم که خود منقسم به بخش‌های گوناگون است به صورت موضوعی و با اشرافی تحسین‌برانگیز تدوین شده است و این امکان را در اختیار جوینده قرار می‌دهد تا در کوتاه‌ترین زمان و به ساده‌ترین شکل ممکن آیه یا آیات مورد نظر خود را بیابد. لازم به ذکر است این فهرست‌ها تماما حاصل کوشش زنده‌یاد دکتر محمود رامیار است.